

دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار خارج می‌شوند تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

تمام کارگران بخش کشاورزی، بخش های دامپروری و پرورش مکانیکی و طبیور، آبزیان و غیره، نیز از شمول قانون کار خارج می‌شوند. در این پیش نویس، بخش هایی از مواد ۴۹ و ۵۰ که مربوط به طرح طبقه بندی مشاغل است، نیز حذف شده و طرح طبقه بندی مشاغل، دیگر شامل اکثریت عظیم کارگران نخواهد شد. در عین حال الزام قانونی و جرایمی که برای عدم اجرای طرح طبقه بندی برای سرمایه دار در نظر گرفته شده بود نیز حذف شده اند.

با این حساب روش است که اگرچندی پیش سه، چهار میلیون کارگر کارگاههای زیر ۵ نفر را از شمول قانون کار خارج کردند، اکثریت با دستبرد جدید به حقوق کارگران، اکثریت بزرگ کارگران را از شمول قانون کار خارج می‌کنند. برطبق اطلاعاتی که منابع دولتی انتشار داده اند، دو سوم کارگران از شمول قانون کار خارج می‌شوند. طرح طبقه بندی مشاغل دیگر شامل اکثریت بزرگ کارگر شامل نمی‌شود و کارگران از مزایای آن محروم می‌شوند.

صفحه ۳

تعرض سرمایه داران و دولت خاتمی به عنوان مجری سیاست های سرمایه داران داخلی و بین المللی به حقوق و سطمحیث طبقه کارگر ایران بی وقفه ادامه دارد. تغییر ۴ ماده از قانون کاربه زبان کارگران و به نفع سرمایه داران، تقریباً قطعیت یافته و مراحل نهایی خود را می گذراند. کمیسیون ویژه ای که در بی مذاکرات نماینده رسمی سرمایه داران، دولت و عوامل سرمایه داران از شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، ماموریت یافته بودند تابه نام نماینده کارگر و کارفرما پیش نویس آئین نامه ای اجرایی را تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی کار و هیئت دولت فرستاده شود، تا آنجایی که اعلام شده است، در چند مورد، این پیش نویس ها را آماده کرده و به شورای عالی کار فرستاده است و تنها این مانده است که هیئت دولت نیز رسمی آنها را تصویب و به مرحله اجرا گدارد. در نتیجه این تغییرات در مواد ۱۸۹ و ۱۹۱، قانون کار دیگر شامل کارگران کارخانه ها و کارگاههایی که کمتر از ۱۰ کارگر داشته باشند نمی شود. همچنین

گسترش مبارزات توده ای و چشم انداز جنبش اعتراضی برای نقی نظم موجود

بحran سیاسی-اقتصادی دامنه داری کمرزیم جمهوری اسلامی را در چنگال خود گرفته است، هر روز عمیق تر و ژرف تر می شود. توده های کارگر و زحمتکش که از فرط فقر و تنگستی و بی عدالتی به ستوه آمده اند، مردمان تهی دست و زحمتکشی که از شدت فشارهای اقتصادی و معیشتی و زور گویی-های رنگارنگ رژیم به تنگ آمده اند، به اعتراض برخاسته، کارخانه ها، خیابانها و شهرها را به میدان مبارزه علیه این زور گویی ها و ستمگری ها، علیه این رژیم ارتقای و سرکوبگر و علیه نظامی که سرمنشاء این محدودیتها و بی عدالتی هاست، تبدیل ساخته اند. حکومت اسلامی به رغم اعمال بیش از پیش فشار و سرکوب و به رغم گستراندن فضای وحشت و اختناق در جامعه، نه دامنه این بحران ها را کاهش داده است و نه توده مردم رحمتکش را از اعتراض و مبارزه باز ایستاده است. سیاست های دولت خاتمی، یگانه و آخرین امید و شانس جمهوری اسلامی در تمامی عرصه ها بشکست و ناکامی رو برو شده است. امید بستگان به بهبود اوضاع و معجزات خاتمی، حتی عقب مانده ترین بخش آن نیز، به واهی بودن این امیدها پی برده اند و دیگر کسی امید به بهبود وضع در چارچوب نظم موجود ندارد. از سوی دیگر سران رژیم نیز مدت هاست که خودشان هم به این مسئله پی برده اند و پی برده اند که مردم راه چاره را در "خارج از این نظام" می جویند. بیهوده نیست که همزمان با تداوم و تشدید فشار و صفحه ۲

یادداشت های سیاسی
دیگر کل ستاد مبارزه با مواد مخدو:
تا ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معتاد

همین مانده بود که ((دادگاه جرائم اینترنتی)) تشکیل شود!

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

یکی از کارگران جهاد نصر (میثاق اهواز) به نام محمد رضا مقنم که در حین کار دچار بیماری ریوی شده بود و بعد هم کارفرما عذر وی را خواسته بود، در روزنامه های حکومتی انعکاس یافت.

این خبرهای دردناک و تا سف آور، حاکی از شرایط شاق و طاقت فرسایی است که سرمایه داران و دولت اسلامی پاسدار منافع آنها، برکارگران ایران تحمل نموده اند. سرمایه

صفحه ۳

آزاد علیزاده، یکی از کارگران چیت تهران از شدت فشارهای زندگی در دوم شهریور ۸۱ دست به خود کشی زد و به زندگی خود پایان داد. سه روز پیش از این حادثه یکی دیگر از کارگران این شرکت به نام رحمت عمران ۵۷ ساله نیز دست به خود کشی زد اما همکاران وی توانستند به موقع این کارگر را به بیمارستان برسانند و او را از مرگ نجات دهند. سال گذشته نیز خبر خود کشی یکی از کارگران چوبیران در مهرماه و خودسوزی

دراین شماره |
۶ مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۴)
۷ خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان
۸ اخبار کارگری جهان

گسترش مبارزات توده‌ای و چشم انداز جنبش اعتراضی برای نقی نظم موجود

به ساختمان دادگاه، بانک‌های صادرات، ملی، تجارت و برخی دیگر از ساختمان های دولتی حمله کرده و چندین خودرو رژیم را نیز به آتش کشیدند. مسؤولین و مقامات دولتی که از تظاهرات و شورش مردم مهاباد شدیداً به وحشت افتاده بودند، پادرخواست کمک واعظام نیز بروهای کمکی از شهرهای ارومیه، نقد و میاندوآب، و پس از چندین ساعت درگیری و تیراندازی به روی مردم که در جریان آن چندین نفر کشته و زخمی شدند، توانستند موقتاً اوضاع را به کنترل خود درآورند.

به دنبال تظاهرات و شورش مردم مهاباد، مردم پیرانشهر نیز دراعتراض به زورگویی‌ها و جنایات رژیم دست به تظاهرات توده‌ای زدند و در جریان اعتراضات خود، بانک‌ها و ساختمان‌های دولتی را مورد حمله قراردادند. این نمونه‌هایی از مبارزات اعتراضی آنهم فقط در دو سه هفته اول شهریور ماه است. واقعیت این است که اعتراضات کارگری و مبارزات توده‌ای به این نمونه‌ها خلاصه نمی‌شود، معهذا افق گسترش مبارزات و اعتراضات توده‌ای را در همین نمونه‌ها هم می‌توان مشاهده کرد. همین نمونه‌های اعتراضات کارگری و مبارزات توده‌ای اولاً بازتاب دهنده این واقعیت است که اقشار مختلف توده‌های زحمت‌کش مردم، دیگر به طور واقعی نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند. آنان در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم، بیش از پیش به اشکال علني و مستقیم اعتراض روی‌می‌آورند، و در جریان هر اعتراضی مراکز سرکوب و تاسیسات دولتی را مورد حمله قرار می‌دهند و از هرفروضی برای ابراز ضدیت و مخالفت آشکار با کلیت نظام حاکم استفاده می‌کنند. ثانیاً نفس وجود این مبارزات و اعتراضات توده‌ای و اشکال متنوع آن، حاکی از آن است که رژیم با سرکوب و فشار بیشترهم نتوانسته است و نمی‌تواند مردم را به سکوت و بی‌تفاوتی بکشاند. ثالثاً و از آن جا که رژیم نتوانسته است و نمی‌تواند مطالبات کارگران و اقشار زحمتکش مردم را برآورده سازد و بحران سیاسی- اقتصادی زرف یابنده رامهار و کنترل نماید، مبارزه کارگری و کل مبارزات اعتراضی در اشکال متعددی گسترش خواهد یافت. در یک کلام، جنبش اعتراضی توده‌ای برای نظم موجود، اعتلا بیشتری خواهد گرفت.

زیرنویس‌ها:

۱- رفسنجانی در نماز جمعه ۲۲ شهریور ماه، مردم را به امید بستن به جمهوری اسلامی ترغیب می‌کرد و حتاً با "گناه" خواندن یاس و نامیدی، مذبوحانه تلاش کرد لائق اقتشار قشری تر مذهبی و خرافی را نسبت به روی گردانی از رژیم بترساند. غافل از این که این حرفاً موجب تمخر مردم است و چیزی بیش از کوپیدن آب در هاون نیست.

۲- این افراد به نام های علی و ابراهیم (دو برادر) از اهالی روسنای "سوهه که ل" و غفور اهل سردهشت می‌باشند.

اعتراضات را، از چاردیواری کارخانه‌ها و رودر رویی با یک کارفرما، به سطح شهرها، خیابان‌ها و جاده‌ها و رودر رویی با دولت به عنوان نماینده کل طبقه‌سرمایه‌دار، کشانده‌اند. سایر اقشار استمکشیده و زحمتکش جامعه نیز در همین فاصله کوتاه، در چندین مورد دست به اعتراض و شورش زده‌اند. در هفتم شهریور ماه، مردم زحمتکش زور آباد کرج، در برابر یورش ماموران شهرداری بمانند و -هایی که به‌اصطلاح بدون مجوز ساخته شده است، دست به اعتراض و مبارزه زده‌اند و در جریان یک درگیری، شماری از اعتراض کنندگان دستگیر شدند. دهم شهریور ماه، صدها تن از مردم کنارک واقع در استان سیستان و بلوچستان، دست به شورش و تظاهرات زدند. اعتراض مردم از آنجا آغاز شد که یک افسر پاسدار به یک دختری چه ۹ ساله تجاوز می‌کند، که مردم، این حیوان جانی را دستگیر و تحويل دادگاه می‌دهند. امالحظاتی بعد وقتی که این افسر از اد می‌شود، مردم معتبر، خشمگینانه، ساختمان دادگاه را مورد حمله قرار می‌دهند و به شکستن شیشه‌ها و در و پنجه دادگاه می‌پردازند. با تیراندازی نیروهای سرکوب، تظاهرات اعتراضی مردم اوج بیشتری می‌گیرد و به یک شورش تبدیل می‌شود که در جریان آن، مردم، ساختمان بخشداری، بسیاری از ساختمان‌های دولتی و بانک‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند و خودروهای نیروهای انتظامی را نیز به آتش می‌کشند. مسؤولین دولتی شدیداً به وحشت می‌افتد و برای مقابله با شورش مردم، نیروهای انتظامی چاه بهار را به کمک می‌طلبند. در جریان درگیریها و تیراندازی به سوی مردم، چندین نفر کشته و زخمی و شمار زیادی نیز دستگیر شده‌اند. روز سه شنبه ۱۹ شهریور، شهر مهاباد نیز شاهد تظاهرات گسترده و شورش مردم علیه زورگویی‌ها و ستم گری‌های رژیم جمهوری اسلامی بود. موضوع از این قرار بود که روز دوشنبه ۱۸ شهریور، نیروهای انتظامی پاسگاه کاولان، به دستور فرمانده خود، به روی سر-نشینان شماری از وسایل نقلیه که مشغول حمل بار بودند، تیراندازی می‌کنند که در جریان این تیراندازی سه نفر کشته و چند نفر دیگر زخمی می‌شوند که خبر این کشتنar و حشیانه به سرعت در شهر مهاباد می‌پیچد. وقتی که جنازه سه تن از اهالی سردهشت (۲) همراه با دو نفر دیگر که به سختی مجرح شده بودند، به شهر آورده‌شد، مردم خشمگین مهاباد، دست به اعتراف و تظاهرات علیه رژیم زدند. مردم مهاباد که شمار زیادی از اهالی سردهشت نیز با وسایل نقلیه که شده بودند، در جریان شورش به آنان ملحق شده بودند، در جریان شورش اعترافی و خود انگیخته خود، در برابر پیش از کارگران با شرایط و دشواریهای مشابهی دست گریبانند. این کارگران که عموماً دستمزد -هایشان پرداخت نمی‌شود و شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند و یا در معرض اخراج و بیکاری مجبور به اعتراف زدند.

اعترافات و مبارزات کارگران قرقه زیبا که از حدود دو ماه پیش و در پی اخراج ۶۰۰ تن از کارگران این کارخانه آغاز شد، هم - چنان ادامه دارد. این کارگران بار دیگر در بیستم شهریور ماه و با تجمع در برابر بنیاد مستضعفان نسبت به زورگویی سرمایه‌داران و بازخرید اجباری و نیز نسبت به اعتراض زدند. ضد کارگری مجلس دست به اعتراف زدند. این‌ها فقط چند نمونه از اجتماعات و اعتراضات کارگری است. بدیهی است که اعتراضات کارگری به موارد یاد شده محدود و منحصر نمی‌شود. هم‌اکنون اکثریت عظیمی از کارگران با شرایط و دشواریهای مشابهی دست گریبانند. این کارگران که عموماً دستمزد -هایشان پرداخت نمی‌شود و شدیداً نگران تمام سطح شهر گسترش دادند. در جریان این شورش شهری، مردم به جان آمده از زورگویی‌های رژیم، یکی از مراکز سرکوب رژیم یعنی شهریانی شماره یک مهاباد را مورد حمله قرار دادند و در ادامه تظاهرات گسترده خود،

سرکوب، چپ و راست عاجزانه از مردم می‌خواهند به حکومت اسلامی امیدوار بمانند و از آن مایوس نشوند.(۱) مردم اما طی بیشتر از دو دهه تجربه، به اندازه کافی مقاعد شده‌اند که با وجود جمهوری اسلامی، چیزی به نفع آنان تغییر نخواهد کرد و بین‌راین راه دیگری جزتشید مبارزه علیه کلیت‌این نظام و براندازی آن وجود ندارد. از همین روزت که کارگران و زحمتکشان، در اسکال متنوع و به بهانه‌های مختلفی علیه رژیم دست به مبارزه و اعتراض زده‌اند و می‌زنند. نگاهی به اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگری، اعتراض‌ها و شورش‌های شهری در استان‌های مختلف کشور در همین دو سه هفته اخیر نیز، از همین واقعیت حکایت می‌کند.

در مرور اعتراضات کارگری باید گفت که واقعاً هفته‌ای نیست که در آن چند اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری صورت نگیرد. برای نمونه کارگران چیت‌سازی به شهر دردادمه مبارزات طولانی مدت خود، در نیمه دوم شهریور نیز بار دیگر در برابر کارخانه پرداخت حقوق‌های اعتراض خود شدند. نزدیک به دو هزار کارگر چیت‌سازی به شهر، ماه هاست بلاتکلیف و در معرض اخراج و بیکاری اند. در همین حال کارگران شرکت لامپ الوند که وضعیت مشابهی را از سرمی‌گذرانند و چهارماه است دستمزد نگرفته‌اند، در مقابل استانداری قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند.

اعترافات و مبارزات کارگران قرقه زیبا که از حدود دو ماه پیش و در پی اخراج ۶۰۰ تن از کارگران این کارخانه آغاز شد، هم - چنان ادامه دارد. این کارگران بار دیگر در بیستم شهریور ماه و با تجمع در برابر بنیاد مستضعفان نسبت به زورگویی سرمایه‌داران و بازخرید اجباری و نیز نسبت به اعتراض زدند. ضد کارگری مجلس دست به اعتراف زدند. این‌ها فقط چند نمونه از اجتماعات و اعتراضات کارگری است. بدیهی است که اعتراضات کارگری به موارد یاد شده محدود و منحصر نمی‌شود. هم‌اکنون اکثریت عظیمی از کارگران با شرایط و دشواریهای مشابهی دست گریبانند. این کارگران که عموماً دستمزد -هایشان پرداخت نمی‌شود و شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند و یا در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند، همه جا خواستار پرداخت حقوق‌های عقب افتاده، ادامه کاری و ضمانت شغلی خود هستند و برای تحقق مطالبات خود، هر روز، در اشکال متفاوتی دست به مبارزه و اعتراض می‌زنند و بیش از پیش این

ازصفحه ۱

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

دار، نیروی کارکارگر، یعنی یگانه چیزی که کارگر برای فروش دارد، به بهاء ارزانی می خرد، امادرازاء آن حتا مزدی که کارگر لاقل بتواند با آن وسایل ضروری یک زندگی بخور و نمیر را تامین کند نمی پردازد. کارگر، بمرغم آنکه آفریننده همگونه وسایل آسایش، امکانات و نعمات زندگی است، اما خود از این امکانات و حتا از تغذیه، پوشاش و مسکن مناسب و یا سایر ضروریات اولیه زندگی هم محروم است.

طبقه سرمایه دار و دولت مذهبی پاسدار منافع این طبقه، جهت کسب سودهای بیشتر، وحشیانه کارگران را استثمار می کنند و در همان حال که افراد کم شمارایین طبقه، سود های سرشاری به جیب می زندند و از فرط وفور نمی دانند این سودهارا چگونه مصرف کنند، اکثریت عظیم افراد جامعه، یعنی کارگران و اعضاء خانواده آنها را به بد ترین شرایط ممکن اقتصادی و معیشتی فروغلطانده اند. بدون هیچ شک و تردیدی درآمد اکثریت کارگران ایران زیر خط فقر است و در سال های اخیر، کارگران و خانواده های کارگری بیش از پیش به فقر، تنگدستی، گرسنگی، بیماری و سیه روزی سوق داده شده اند. معهذا این تمام مسئله نیست. اگر سرمایه دار، جان کارگر شاغل را تکمیل کند، اما او هر لحظه اراده کند و یا همین که احساس کند آن میزان سودی که برای خودش تعیین کرده از کارگر حاصل نمی شود، کارگر را زکار بیکار می کند و کارگر بیکار از دریافت همان دستمزد ناچیز هم که حتی کفاف تجدید حیات وی را نمی داد محروم می شود!

ولی کارگر که زندگی اش - باهرکیفت - وابسته هفروش نیروی کارش به سرمایه دار است، حال که بیکار شده است، آن هم در جامعه ای که کارگران آن از حداقل های استانداردهای بین المللی در زمینه تامین اجتماعی محروم اند، چگونه باید زندگی کند؟ امورات خود را چگونه باید بگذراند؟ اکنون میلیون ها کارگر در چنین وضعیتی به سرمی برند واگر که اکثریت این کارگران برای مقابله با سرمایه داران و دولت حامی آنها دست و پنجه نرم می کنند، هر روز دست به اعتراض و مبارزه می زندند تا حقوق خود را از حلقوم آنان بیرون بکشند، اما هستند کارگرانی هم که از فرط این مشکلات از پای در می آیند و از آنجا که قادر نیستند مخارج زندگی همسر و فرزند خود را تامین کنند، دست به خود سوزی و خودکشی می زندند و یا ناگهان زندگی مشترک را ترک می کنند و دیگر به خانه باز نمی گردند! افزون بر اینها، هرساله دهها هزار کارگر در حین کار جان خود را از دست می دهند و یا دچار

دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار خارج می شوند

تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

خود را به حد اعلیاً برساند و کارگر از نظر حقوقی و قانونی حق اعتراض نداشته باشد. اما جنبه دیگر این تغییرات، تنزل هولناک سطح معيشیت کارگران، و خیم تر شدن شرایط کار و زندگی و تشدید هولناک استثمار است. دستمزد کارگران تنزل بیشتری خواهد کرد. بسیاری از مزایای کارگران که بر طبق قانون کار و مقررات دولتی به کارگر تعلق می گرفت، از جهت معيشیتی، کمکی به گذران زندگی کارگر و خانواده او بود، از بین خواهد رفت. با حذف طبقه بندی مشاغل، مزایایی که از این بایت نیز می توانست عاید کارگر شود، حذف خواهد شد. با حذف بیمه های اجتماعی در محدوده حداقلی که اکنون وجود دارد، وضعیت معيشیتی و بهداشتی و درمانی خانواده های کارگری به نحو اسف باری و خیم خواهد شد. کارگری که بیکار می شود دیگر بگرسنگی محض و مرگ روپرست، بهداشت و ایمنی محیط کار و خیمتر از آنچه که امروز وجود دارد، خواهد شد و تباہی جسمی و مرگ و میر کارگران از این جهت نیز افزایش خواهد یافت. متجاوز از دو سوم کارگران ایران با شرایط هولناکی روبرو می شوند. نباید اجازه داد که سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها، این چنین زندگی میلیون ها کارگر را تباہ کنند و فدای مقاصد سود پرستانه خود نمایند. اگر طبقه کارگر ایران نتواند این تعرض وحشیانه از دو سوم داران را با مبارزه همه جانبی خود متوقف کند، شرایط زندگی اکثریت عظیم کارگران ایران و خیم تراز بردگان دوران باستان خواهد شد؛ چراکه حداقل از برده حفاظت می کردند و شکم او را سیر می نمودند، تا سالها بتواند برای بردگان کارکند. امابرداران نوین در ایران، همین راه نمی پذیرند. چون از بابت برده های نوین چیزی نیزداخته و هزینه های هم متقال نشده اند که نگران نابودی و مرگ و میر و یا کم شدن بردگان خود باشند و شکم آنها را سیر کنند. به جای برده ای که از گرسنگی و تباہی جسمی و روحی می میرد و ناید می شود، میلیون ها بیکار و گرسنه از فرط نیاز اقتصادی پشت در کارخانه ها صفت کشیده اند تا به خدمت برده داران نوین در آیند. اما این تغییرات و نتایج آن به همین جا خاتمه نمی یابد، هنوز کمیسیون در حال تهیه پیش نویس تغییراتی در دیگر مواد قانون کاراست، که کارگران کارخانه های بالاتر از ده کارگر را شامل خواهد شد و در راس این تغییرات، دادن اختیار کامل به سرمایه دار برای اخراج کارگر و باز گذاشتن دست سرمایه داران در زمینه دستمزد و مزایایی کارگران و حقوق قانونی آنهاست. در اینده نزدیک، این کمیسیون باید پیش نویس تغییر این مواد را ببردگان کارگران مشمول آن نمی شوند؟ از این جهت تمام کارگران ایران مستثنی از این که تغییرات شامل حال آنها بشود، یا نشود معتبر نیست. این مسئله مربوط به این یا آن بخش طبقه نیست، مسئله تمام طبقه کارگر است. محروم شدن اکثریت عظیم طبقه کارگر ایران، از هرگونه حق و حقوق کارگری بدین معناست که سرمایه دار می تواند بایک کارگر همچون یک برده مسلوب حق رفتار کند، او را بردگان هرگونه محدودیت هر طور که خواست و برای هر مدتی به کار وارد نماید. امروزه او کار بدهد، فرد اخراجش کند. ساعات کار را در روز حتی به دو برابر افزایش دهد، اما دستمزدی که به کارگری پردازد کمتر از آن چیزی باشد که کارگری هم اکنون دریافت می کند. رفتار غیر انسانی

أخبار کارگری جهان

خیابان‌ها آمده و علیه افزایش روز افزون بیکاری، موج اخراج وسیع کارگران، خصوصی سازی مراکز دولتی اقتصاد و گسترش نفوذ غارتگرانه مراکز مالی امپریالیستی، نظیر صندوق بین‌المللی پول، دست به راهبیمایی و اعتراض زدند. در شهر مونته ویدئو، صفت طویل کارگران معتبر تمام امور شهری را به تعطیل کشانده و پس از تجمع در مقابل پارلمان، خواستار استعفای دولت این کشور شدند. در این میان دولت این کشور برای پرداخت بهره وام‌های امپریالیست‌ها راچاره را در استقرار پیشتر خارجی دید و اخیراً دولت آمریکا با پرداخت وامی به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار، بندۀ‌ای وابستگی این کشور را مستحکم تراز گذشتۀ ساخت و دور جدیدی از غارت دسترنج میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش اروگوئه را آغازنمود. اما گسترش مقاومت کارگران نشان از رشد رادیکالیسم در جنبش توده‌ای و به میدان آمدن هزاران نفر برای احراق حقوق خود دارد.

* هندوراس: اعتصاب قهقهه کاران

بیش از ۱۲۰ هزار کارگر در هندوراس در مزارع قهقهه به کارسخت و طاقت فرسا مشغولند. این کارگران کمترین دستمزد را گرفته و بعضاً تا ۱۵ ساعت در روز به کار گمارده می‌شوند. اخیراً هم در پی تشدید و خامت اوضاع اقتصادی یک رشته از کشورهای آمریکای جنوبی، دولت وابسته به امپریالیسم آمریکای این کشور نیز فرست را غنیمت شمرده و بخش دیگری از بار این بحران همه جانبه را به دوش کارگران مزارع قهقهه گذاشتند. از جمله افزایش بهره وام‌های ناچیز کارگران یکی از این اقدامات ضد کارگری بوده است. کارگران که در منتهای فقر و تنگستنی روزگاری گذرانند. سرانجام دست به اعتراض زدند. روز ۱۳ اوت، صدها نفر از کارگران جان به لب آمده در اطراف پایتخت این کشور به خیابان‌ها آمدند و چند راه اصلی را مسدود نمودند و به سمت پایتخت حرکت کردند.

حرکت اعتراضی کارگران در اطراف پایتخت به سرعت به دیگر مناطق سرایت کرد و پس از مدت کوتاهی کارگران رژمنتشکش مزارع قهقهه در دیگر مناطق هندوراس نیز به تعطیل کارها، مسدود ساختن راههای اصلی و برپایی تجمعات اعتراضی دست زدند. با گسترش سریع موج اعتراضی در میان کارگران، مقامات دولت نیز سریعاً دست به اقدام متقابل زده و صدها مامور ضد شورش پلیس و ارتش را به فوریت روانه سرکوب اعتراضات کارگران نمودند. متوقف ساختن صرف راه پیمایان خشمگین و گرسنه تنها با شلیک گاز اشک آور و ماشین‌های آب پاش میسر شد. اما کارگران مبارز بیکارانشسته و به فوریت سنگرهای خیابانی برپا کرده و به زدو خورد متقابل با ماموران پلیس پرداختند. در پی این اقدام کارگران، بیش از ۵۰۰ نفر دستگیر و دهها نفر زخمی

* کارگران بنادر غرب آمریکا: مبارزه برای قراردادهای دست‌جمعی

مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی بیش از ۱۰ هزار کارگر باراندار سواحل غربی آمریکا و نمایندگان کارفرما، خطوط کشتی رانی دانمارکی - آمریکایی اعتساب یک‌روزه زدند و حمایت کامل خویش را از هم زنجیران خود در آمریکا اعلام نمودند.

* اوج گیری مبارزه کارگران کشاورزی در کالیفرنیا

روز ۲۵ اوت، بیش از ۱۰ هزار تن از کارگران کشاورزی پس از طی دهها کیلومتر به شهر ساکرامنتو وارد شده و در مقابل ساختمان استانداری ایالت کالیفرنیا تجمع نمودند. کارگران شاغل در صدها مجتمع‌کشت و صنعت در این ایالت در سخت ترین شرایط و بعض‌تا ۱۵ ساعت و باحداقل دستمزد به کارگماشته شده و به دلیل این که اغلب این کارگران مهاجران غیر قانونی هستند که از کشورهای مختلف آمریکای جنوبی راهی آمریکا می‌شوند تا بتوانند لقمه نانی برای خود و خانواده گرسنه خود تهیه کنند، هرگونه اعتراضی از سوی آنان منجر به دستگیری و اخراج آنان از خاک آمریکا می‌شود. به همین دلیل کارفرما - یان به ویژه مهاجرین غیرقانونی را به کار می‌گیرند و به این ترتیب آنان را به وحشیانه - ترین شکل استثماری کنند. در روز ۲۵ اوت، اما کارگران دیگر نیازی ندیدند که خود را از چشم ماموران پلیس پنهان کنند و با پیمودن مسیری طولانی و درحالی که هزاران پرچم سرخ در میان صوف طولانی و درحالی که هزاران پرچم درآمده بود، به مقابل ساختمان استانداری ایالت کالیفرنیا رسیدند. کارگران در این روز خواستار پذیرش حق تشکل آنان در اتحادیه کشاورزی، تعیین شرایط کار و دستمزدها از طریق قراردادهای دست‌جمعی، افزایش دستمزد - ها و امکانات رفاهی خود شدند. کارگران کشاورزی آمریکای خوبی می‌دانند که به عقب نشاندن صاحبان پر نفوذ بزرگترین مراکز کشاورزی کشت و صنعت درس اسراخ‌ک آمریکا، راهی است صعب و دشوار، اما عزم جزم کار - گران در روز ۲۵ اوت نشان داد که آنان حاضرند که این دشواری راه را تا نیل به پیروزی کامل خود پشت سر گذارند.

* اعتساب کارگران در اروگوئه

اوضاع اقتصادی در اروگوئه رو به وخامت می‌رود. بیکاری، فقر و فلاکت بیداد کرده و دولت ورشکسته این کشور قادر به پاسخ گویی به اولیه ترین احتیاجات توده‌های کارگر و زحمت - کش نیست. کارگران از هر فرستی استفاده کرده و صدای اعتراض خود را به گوش همگان رسانند. در همین رابطه روز ۲۶ اوت، روز استقلال اروگوئه از سلطه استعمارگران اسپا - نیایی، بیش از ۷۰ هزار نفر از کارگران به

مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی بیش از ۱۰ هزار کارگر باراندار سواحل غربی آمریکا و نمایندگان کارفرما، خطوط کشتی رانی دانمارکی - آمریکایی اعتساب یک‌روزه زدند و حمایت کامل خویش را از هم زنجیران خود در آمریکا اعلام نمودند. کارگران بارگانی درجهان، از خسته‌ترین روزهای ماه ژوئیه با بن بست مواجه شده و تا کنون نیز هیچ نشانه‌ای از تمایل نمایندگان کار فرما به برآ آغاز مجدد مذاکرات به چشم نمی‌خورد. امدادلایل و زمینه‌های این عدم تمايل کارفرما چیست و شرایط مبارزه در حال حاضر چگونه است که اتحادیه کارگران باراندار آمریکایی، که یکی از رادیکال ترین اتحادیه‌های کارگری آمریکا با سالهاتجریه مبارزاتی است، هنوز دست به اعتساب و واداشتن کار فرما به پذیرش خواست کارگران نزد است. دلیل این امر را باید در فضای پس از ۱۱ سپتامبر سال گذشته جستجو کرد. زمانی که هیئت حاکم آمریکا تحت تاثیر جو پس از این واقعه، مغتنم‌ترین فرست تاریخی را به دست آورد که راست روانه ترین سیاست‌های خود را علیه توده‌های کارگر و زحمتکش آمریکا به کاربند، سرمایه‌داران نیاز این موقعیت حداقل استفاده را کرده و بسیاری دستاوردهای مبارزاتی کارگران را یک سره می‌گیرند و به این ترتیب آنان را به وحشیانه - ترین شکل استثماری کنند. در روز ۲۵ اوت، اما کارگران دیگر نیازی ندیدند که خود را از چشم ماموران پلیس پنهان کنند و با پیمودن مسیری طولانی و درحالی که هزاران پرچم سرخ در میان صوف طولانی و درحالی که هزاران پرچم درآمده بود، به مقابل ساختمان استانداری ایالت کالیفرنیا رسیدند. کارگران در این روز خواستار پذیرش حق تشکل آنان در اتحادیه کشاورزی، تعیین شرایط کار و دستمزدها از طریق قراردادهای دست‌جمعی، افزایش دستمزد - ها و امکانات رفاهی خود شدند. کارگران کشاورزی آمریکای خوبی می‌دانند که به عقب نشاندن صاحبان پر نفوذ بزرگترین کشاورزی کشت و صنعت درس اسراخ‌ک آمریکا، راهی است صعب و دشوار، اما عزم جزم کار - گران در روز ۲۵ اوت نشان داد که آنان حاضرند که این دشواری راه را تا نیل به پیروزی کامل خود پشت سر گذارند.

- ترین شکلی سرکوب خواهد شد و حتاً پا را ازین فراتر گذاشته و اعلام شده است که در صورت آغاز اعتساب در بنادر غرب آمریکا، ماموران گارد ملی به کار گماشته شده و اعتسابیون به زور از محوطه بنادر دور نگه داشته خواهند شد. در همین حال کارفرما نیز اعلام نموده که خبری از امکانات بهداشتی نبوده و کارگران نباید به فکر افزایش تسهیلات رفاهی خود باشند. به رغم تمام این تهدیدات آشکار دولت آمریکا، اما کارگران عزم خود را جرم کرده و تا کوتاه کردن دست دولت و سرمایه داران از حقوق صنفی خود مبارزه را ادامه خواهند داد. در همین رابطه روز ۱۲ اوت به دعوت ای WLWU، هزاران نفر در خیابان - های شهر های بزرگ نظری لوس آنجلس، سانفرانسیسکو، اوکلند و تاکوما آمده و اعلام نمودند که ۱۵ هزار خانواده کارگری در ۳ ایالت آمریکا نمی‌توانند بیش از این گرسنگی کشیده و از سرمایه داران خواستند که مجدداً به پای میز مذاکره بپایند. در همین حال روز ۱۵ اوت و هم زمان با افتتاح اسکله بارگیری شرکت Maersk Sealand، بیش از ۲ هزار کارگر در مقابل اسکله تجمع کرده و خواستار

ازصفحه ۳

مسئولیت این فجایع به گردن کیست؟

بیماری و نقص عضوی شوند. این کارگران نیز که در محیط های نامن برای سرمایه داران کار می کنند، قربانی حرص و ولع سرمایه داران می شوند که برای کسب سود بیشتر، از هزینه کردن برای تامین شرایط ایمنی کار، سربازی می زنند.

تمامی این فجایع، بدیختی ها و مصائبی که طبقه کارگر با آن روپرست در نفس نظام سرمایه داری است. مسبب اصلی تمامی عوارض اجتماعی از آن جمله خودکشی و خود سوزی کارگران همهمین نظام سرمایه داری یعنی نظامی است که برخون و استثمار بنا شده است. در بهشتی که اما حکومت اسلامی برای سرمایه داران درست کرده است، این عوارض بیش از پیش تشدید شده است.

ازصفحه ۶

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۴)

حجم نشریه دو برابر شده بود و از ۱۲ صفحه به ۲۴ صفحه افزایش یافته بود و هر شماره به انضمام بخشی برای کودکان و مادران و زنان خانه دار منتشر می شد. سرانجام در ۱۹۱۰، از وی خواسته شد که یک ضمیمه مد لباس انتشار دهد. در سال ۱۹۰۸، وقتی تقاضای اضافه کردن بخش مد و آشپزی و درج الگوی لباس به نشریه "برابری" شد، در واقع نشانده کاهش نفوذ کلارا زتکین بود. در گنگره سال ۱۹۱۳ حزب زتکین به حزب قبول دادکه من بعد توجه بیشتری به خوانندگان آموزش ندیده و آنها یکی که هنوز "الفبای دید" گاههای ما را نمی دانند "مبدول دارد". (کیپن - جنبش سوسیالیستی آمریکا - ۱۸۹۷-۱۹۱۲ نیویورک - صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱) پس از آن، مقامات اتحادیه ها رسمی توزیع رایگان بخش عمده ای از نشریه برابری را بر عهده داشتند. در نتیجه در سال ۱۹۱۴ حدود سه پنجم کل تیارا که به تدریج از ۱۱۰۰ در سال ۱۹۰۳-۴ به ۱۲۵۰۰ در سال ۱۹۱۴ (کیپن - صفحه ۴۱۵) رسیده بود، شمار نسخ توزیع شده "برابری" به ۷۱/۶ در صد زنان عضو SPD و ۵۹/۴ در صد زنان اتحادیه های کارگری رسید.

* در بخش بعدی، تاثیرات جنگ جهانی اول مورد بررسی قرار می گیرد.

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ دلار استرالیا	۲۰۰۲ آپریل
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۰۰۲ مه
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۰۰۲ زوئن
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۰۰۲ زوالی
۱۰۰ دلار استرالیا	۲۰۰۲ اوت

را بیشتر بمکد و این بار دیکتاتوری سرمایه به عربیان تربیت شکلی برپا شد. گام بعدی در این روند گسترش همچنانه نفوذ سرمایه های امپریالیستی در اندونزی خواهد بود. در همین راستا نیز به یکباره اصلاح قانون کار دولتی در تلاش های خود برای اصلاح قانون فعلی کارایین کشور، حتی جزیئی ترین موردمی را هم که نشان از حمایت از حقوق کارگران را داشته، مورد انتقاد قرار داده وابنها را موانع اصلی عدم رشد اقتصادی درین کشور اعلام نمودند. اکنون باید این طور وابنود می شد که نه رژیم های وابسته و دیکتاتوری عنان گسیخته بلکه حقوق ولو ناجیز کارگران است که مانع از گسترش رفاه و آزادی برای مردم می شوند. به این ترتیب مقامات دولت پیشنهاد کردند که در قانون کار جدید قراردادهای فردی جای قراردادهای دستجمعی را بگیرد، استخدام موقت مجاز شود و کار - گران بتوانند پس از سپری شدن دوران "کارآموزی" با "تسهیلات" بهتری وارد بازار کار شوند، اما با این تفاوت که دستمزد آنان در این دوره کارآموزی تنها معادل ۸۰ درصد حداقل دستمزدها خواهد بود. علاوه بر اینها در قانون کار جدید کارفرما حق خواهد داشت که به کارگران اعتصابی دست مزدی پرداخت نکرده و هرگونه اعتصاب سیاسی و در همبستگی با دیگر کارگران ممنوع گردید و در صورت نقض این قانون کارگران تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. در مقابل تمام این اححافات، اتحادیه های کارگری، به رغم تعدد و تماهيگونی در سیاستهای خود، گرددم آمده و کمیته مبارزه علیه سرکوب کارگران را تشکیل دادند. این کمیته حمایت بیش از ۹۰ درصد کارگران این کشور را بخود داشته و در اولین اقدام خود، به رغم تشديد فشارهای پلیسی، از کارگران خواست، اعتصاب کنند و به خیابانها بیایند. در پی این فراغوان بیش از ۳۰ هزار کارگر روز ۱۹ اوت کارها را در ۶۰۰ کارخانه تعطیل کردند و به خیابان های پایتخت منطقه غربی جاوه آمدند. با گسترش موج همبستگی در میان کارگران ماموران پلیس به سرعت محوطه چند کارخانه بزرگ را محاصره کردند و تلاش نمودند که از خروج کارگران و پیوستن آنان به صفوغ تظاهر کنندگان ممانعت کنند. با اوج گیری مقاومت کارگران ماموران پلیس به روی اعتصابیون آتش گشودند. در اثر این حمله وحشیانه یک کارگر کشته، دهها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند. هرچند این حرکت موقتاً سرکوب شد، اما مبارزه کارگران برای رسیدن به خواسته های برحق خودادامه خواهد داشت.

استرالیا

شدند. سرکوب گران توانستند اولین موج اعتراضی کارگران مزارع قهوه هندوراس را به خاک و خون کشند. اما این نمی توانند کارگران را از ادامه مبارزه خود منصرف کنند. کارگران در حال سازماندهی مجدد خودهستند و به زودی موج جدید اعتراضات از نقطه دیگری آغاز خواهد شد.

*پیروزی کارگران خدمات در اسکاتلندر

روز ۱۶ اوت، غربی شادی بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران خدمات بزرگترین بیمارستان شهر گلاسکو در اسکاتلندر به گوش همه رسید. شادی کارگران بی مورد نبود. اینان توانسته بودند که یکی از بزرگترین شرکت های فرانسوی را با اعتصاب و مبارزه یک پارچه خود به عقب نشینی وادر سازند. پیروزی کارگران تنها پس از ۲۴ ساعت از آغاز اعتصاب عمومی آنها میسر شده بود. کارگران رحمتکش خدمات این بیمارستان ماهها بود که با کارفرما به چانه رنی مشغول بودند و خواهان افزایش حداقل دستمزد های خود متناسب با نرخ تورم و افزایش دستمزد روزهای بیماری خود بودند. کارفرما هم شرایط بین المللی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر را بهانه کرده و با هرگونه خواست رفاهی کارگران مخالفت کرده بود. اما سر انجام روز ۱۶ اوت کاسه صبر کارگران لبریز شده و تمامی ۳۰۰ کارگر خدمات بیمارستان Royal Infirmary از کارگری کارگران را بخواست کردند. کارفرما که در ابتدا گمان می کرد می تواند کارگران را به سر کارهای خود بازگرداند، به زودی متوجه شد که کارگران سر آشتنی ندارند و تنها راه حل مشکل کارگران، تحقق خواسته های آنان است. سرانجام روز ۱۷ اوت کارفرمابا بخش زیادی از خواسته های کارگران موافق نمود و کار - گران به سر کارهای خود بازگشتند.

* اوج گیری مبارزات کارگران در اندونزی

پس از تغییرات سیاسی سال های اخیر در اندونزی و سرنگونی دیکتاتور این کشور، اکنون زمان آن رسیده که زمامداران حاکم اوضاع اقتصادی راسر و سامان دهنده. بیهوده خواهد بود اگر تصور کنیم که اینان راه حل دیگری جز مراجعة به امپریالیستها و تعمیق هر چه بیشتر وابستگی اقتصادی اندونزی داشته باشند. واقعیت این است که با فدا - کاری و از جان گذشتگی توده های مردم دیکتاتوری نظامی درین کشور سرنگون شد و تصور مردم این بود که پس از این دمکراسی و آزادی در این کشور برقرار خواهد شد. امادر واقعیت این آزادی تنها برای سرمایه به دست آمد که بتواند شیره جان کارگران

کار" نامید. لیلی براون از سوی چند تن از اعضاء معروف جنبش سوسیالیست زنان و شماری از رهبران مرد SPD حمایت می‌شد. لیلی براون و هودارانش، بدون موقیت هم نبودند. بین سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۲ در هامبورگ و برلین چندین اجلاس مشترک مشکل از زنان کارگر و فمینیست‌های بورژوا برگزار گردید تا امکانات همکاری را مورد بررسی قرار دهند. زتکین با تلاش فراوان قادر به ممانعت از تاثیرگذاری لیلی براون شد و نهایتاً در سال ۱۹۰۳ او را به کلی از جنبش زنان سوسیالیست کنارگذاشت و بیرون راند.

یک دیگر از مخالفین سرشت کلارا زتکین، نماینده Reichstag ضد فمینیستی به نام "ادموند فیشر" بود. فیشر در مقاله‌ای تحت عنوان "مسئله زنان" که در ۱۹۰۵ در "مجله سوسیالیستی" منتشر شد، چنین سؤوال کرد: "آیا این غیر طبیعی و به لحاظ اجتماعی ناسالم‌نیست که زنان کارکنند؟ این وسوسه سرمایه داری است که با الغاء آن نابود شود؟" پاسخ او روش بود: "آن چه به اصطلاح رهایی زن نامیده می‌شود و با طبیعت زن و انسان به طور کلی در تنافض است. این امری غیرطبیعی واز این رو دست نیافتی است." (فونر- جلد دوم- ص ۱۹۰) او چنین ادعا کرد: "اولین و الاترین کار نیک در زندگی برای زنان که در طبیعت اش نهفته است مادر بودن و تربیت فرزندانش است."

در گنگره مانهایم SPD، در ۱۹۰۶، گرایش چپ به رهبری روزا لوکزامبورگ شکست خورد. حمله گرایش راست متوجه کلارا زتکین شد که روابط سیاسی نزدیک و دوستانه ای با روزا لوکزامبورگ داشت.

هنگامی که قانون اجتماعات در سال ۱۹۰۸، ملغاشد، کنفرانس زنان درنورمبرگ تصمیم به مشارکت زنان در شبکه‌های محلی گرفت. به نحوی که حداقل یک زن در کمیته اجرایی منطقه، مسئول تبلیغات در میان زنان کارگر باشد. دفتر مرکزی جنبش به دفتر زنان تغییریافت و تابع دفتر اجرایی ملی حزب اعلام شد. به رغم اعتراض زنان، تنها یک زن به عضویت هیئت اجرایی پذیرفته شد و آن لوتیز زیتسن بود. او برخلاف زتکین، به جناح چپ حزب تعلق نداشت بلکه از جناح مرکز (کائوئتسکی) حمایت می‌کرد.

(فونر- جلد سوم- ص ۲۰۲) در همان سال (۱۹۰۸) که زتکین کنار گذاشته شد، سازمان جوانان رادیکال نیز تصفیه شد. پروسه ادغام جنبش زنان در SPD منجر به جذب توده ای زنان به حزب شد به نحوی که در سال ۱۹۰۸ که تعداد آنها ۲۹۴۶۸ نفر بود، در سال ۱۹۱۴ به ۱۷۴۴۷۷۴ رسيد. طی مدت کوتاه ۶ سال، رشدی حدود ۱۵۰۰۰ نفری یافت. (فونر- جلد ۴- ص ۳۶)

در سال ۱۹۰۸، حتی نظارت زتکین بر سر دبیری نشریه برابری تضعیف شد. همان طور که قبل از دیدیم، ماهیت مجله تغییر گردد بود.

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۴)

هنگام جنگ در گرفتوانقلاب روسیه را بر انجیخت.

اپوزیسیون دست
راستی علیه زتکین

هم در جنبش زنان سوسیالیست و هم در درون SPD به طور کلی، یک اپوزیسیون راست علیه زتکین وجود داشت. SPD به ۳ گرایش تقسیم می‌شد: در منتهای راست افراطی "ریوبیزیونیست -ها" که هاداران ادوارد برنشتین بودند، در منتهای چپ، هاداران روزا لوکزامبورگ و بالاخره در مرکز، طرف داران ببل و کائوئتسکی. همین سه گرایش، در درون جنبش زنان سوسیالیست نیز موجود بود. در جنبش زنان سوسیالیست، گرایش راست تعامل به همکاری با لیبرال‌ها را داشت تا با زنان عضو SPD.

معروف‌ترین نماینده‌این گرایش، لیلی براون (۱۸۶۵- ۱۹۱۶) بود که از یک خانواده اشرافمنش بود و هیچ‌گاه بخاستگاه طبقاتی - اش پشت نکرد. او علیه مبارزه طبقاتی چنین استدلال می‌کرد: سوسیالیسم از طریق فعالیت انتقامی طبقه‌کارگر، به تنها یاری حاصل نخواهد شد بلکه از طریق فعالیت شماری از نیروهای متفرق از جمله فمینیستها متحقق خواهد شد. به اعتقاد او، تمامی فمینیستها فی‌نفسه متفرق هستند چراکه علیه تبارابری جنسی اند، همان‌گونه که سوسیالیستها علیه نابرابری طبقاتی اند.

در سال ۱۸۹۵، لیلی براون، به همکاری با فمینیستهای بورژوا پرداخت و به جمع آوری امضاء برای رفرم قانون اجتماعات پرداخت. او به همراه "مینا کوائر" بورژوا فمینیست رادیکال به ویراستاری نشریه "جنبش زنان" پرداخت. اولین شماره این نشریه وظایف نشریه را چنین جمع بندی کرده بود: حمایت از کلیه زنان صرف نظر از دیدگاه سیاسی و مبارزه برای هدف مشترک برابری جنسی، ما خواهان مبارزه هم برای برابری آموزشی و هم برابری دستمزد هستیم".

لیلی براون از برخورد مردان نسبت به زنان در جنبش کارگری، گلایه می‌کرد و واستدلال می‌کرد که این یک توهی می‌بیش نیست که باور کنیم که مبارزه طبقاتی، اختلاف بین دو جنس را از بین خواهد برد.

در سال ۱۹۰۱، لیلی براون در جزوی از عنوان "کار زنان و کوپراتیوهای خانوار" که در آن از این ایده دفاع می‌کرد که زنان با سازمان دهی کوپراتیوهای خانوار از کار طاقت فرسای خانگی رهایخاوردند شد. زتکین با این ایده شدیداً مخالفت کرد و آن را اتوبیوگرافی و اپورتونیستی نامید. چرا که تنها نفع زنان طبقه متوسط بود که باداشتن در آمد منظم و مستمر از این نفع خواهند برد. زتکین پیشنهاد "براؤن" را "رفرم بورژوا" یعنی پیشنهاد استقبال گردید و مورد تأیید

در شماره قبل، نشریه‌ی "برابری" که به سر دبیری کلارا زتکین منتشر می‌شد، معرفی شد. نقش کلارا زتکین در جنبش بین‌المللی زنان، موضوع قسمت بعدی از کتاب مبارزه طبقاتی و رهائی زنان است.

کلارا زتکین و جنبش بین‌المللی زنان سوسیالیست

زتکین تاثیر فراوان و مستقیمی بر روی زنان سوسیالیست خارج از آلمان می‌گذارد. در سال ۱۹۰۷، او ابتکار برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در اشتونکارت را داشت که در آن ۵۹ زن از ۱۵ کشور شرک داشتند. این کنفرانس تصمیم برایجاد یک سازمان بین‌المللی مشکل از سازمان‌های زنان سوسیالیست گرفت.

کنفرانس یک دست نبود. به طور مثال برسر مسئله کلیدی حق رای برای زنان، نماینده‌گان اتریش، بلژیک، انگلیس و فرانسه خواهان مطالبه حق رای محدود بودند. به عبارت دیگر حق رای مشروط به میزان دارایی و ثروت از این نگاه واقع بین‌تر بود تا حق رای همگانی. نماینده‌گان انگلیس و فرانسه نیز در مردم "سکتاریسم" زتکین و طرفدارانش در برخورد به جنبش بورژوا فمینیستی بحث می‌کردند. اما کلارا زتکین در مخالفت با هردو گرایش، استوار بود. هیئت نماینده‌گی روسیه از جمله کساندرا کولننتی از نظریات زتکین دفاع می‌کرد. کنفرانس به نفع نظریات کلارا زتکین به اتمام رسید.

کنفرانس قطعنامه‌های قاطعی به تصویب رساند که احزاب سوسیالیست تمام کشورهارا موظف می‌ساخت که با تمام قو ابرای حق رای همگانی مبارزه کند. قطعنامه همچنین می‌گفت که زنان سوسیالیست باید با زنان بورژوا متحد شوند بلکه دوش به دوش مردان سوسیا- لیست مبارزه را پیش بزنند.

زتکین به عنوان دبیرسازمان بین‌المللی زنان سوسیالیست برگزیده شد و نشریه‌ی "برابری" به عنوان ارگان مرکزی جنبش معرفی شد. کولننتی نیز به عنوان مسؤول دبیرخانه برگزیده شد.

دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست در سال ۱۹۱۰ در کینه‌هاک، یک بار دیگر بر خواست حق رای همگانی تاکید نمود. سپس زتکین پیشنهاد پذیرش ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن راکرد. ایده و تاریخ برگزاری این روز، از تظاهرات زنان سوسیالیست آمریکایی در ۸ مارس ۱۹۰۸ در مقابل با جنبش زنان بورژوا برپا شد، الهام‌گرفته شده بود. از این پیشنهاد استقبال گردید و مورد تأیید کنفرانس واقع شد. اوایل سال ۱۹۱۱ از هنگام درگیری جنگ در سال ۱۹۱۴، تظاهرات روز جهانی زنان در شهرهای اروپا برگزار شد (والبته مهم ترین آنها، تظاهراتی بود که در

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

یادداشت‌های سیاسی

کارگران چیت سازی بهشهر، در ادامه مبارزات چندین ماه گذشته خود، در دومین هفته شهریور ماه بار دیگر دستبه اعتراض زدند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. در تاریخ ۱۹/۷/۸۱، سازمان اطلاعیه‌ای در حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران چیت سازی بهشهر انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که در این هفته نیز کارگران چیت سازی در مقابل درب کارخانه اجتماع نمودند و خواهان پرداخت حقوق معوقه خود و نجات از بلا تکلیفی شدند. حدود ۲۰۰ کارگر این کارخانه مددهای است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکردند. اطلاعیه سازمان می‌افزاید، هفته‌ای نمی‌گذرد که کارگران یک کارخانه که با وضعیت مشابهی روبرو هستند در مقابل کارخانه، مراکز دولتی و خیابانها اجتماع نکنند. چند روز پیش کارگران شرکت لامپ الوند که حقوق و مزایای آنها ۴ ماه است، پرداخت نشده و با خطر اخراج روبرو هستند، در مقابل استانداری قزوین تجمع نمودند و به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود اعتراض کردند.

در تاریخ ۱۹/۷/۸۱، مجدداً اطلاعیه‌ای در حمایت از تظاهرات مردم مهاباد انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که اخبار انتشار یافته از کردستان حاکی است که مردم مهاباد امروز صبح در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه حکومت اسلامی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در اعتراض به کشته و زخمی شدن چند تن از مردم کردستان در جریان تیراندازی مزدوران مسلح حکومت صورت گرفت. اطلاعیه سازمان ضمن حمایت از مبارزات مردم مهاباد، اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه نیروهای رژیم را علیه مردم کردستان محکوم کرد و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان گردید.

تجمع و تظاهرات کارگران قرقه زیبا، عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۲۰ شهریور ماه انتشار یافت. اطلاعیه می‌گوید که اعتراض و مبارزه کارگران قرقه زیبا که یک ماه و نیم پیش در پی اخراج حدود ۶۰۰ تن از کارگران آغاز شد ادامه دارد. کارگران که از همان آغاز مبارزه گستردۀ ای را علیه تصمیم هیئت مدیره این کارخانه که وابسته به بنیاد مستضعفان است آغاز کردند. آنها چند روز مدام کارخانه را به اشغال خود درآوردند و خواهان لغو این تصمیم شدند. اطلاعیه می‌افزاید که بنیاد زیر نشان مبارزه کارگران عقب نشینی کرد واعلام نمود که کارگران اخراج نشده بلکه تنها چند ماهی که طرح نوسازی اجرا می‌شود بیکارند. اما اکنون آنها می‌خواهند زیر وعده‌های خود بزنند و با پرداخت مبلغ ناچیزی کارگران را بازخرید کنند. اطلاعیه می‌گوید اعتراض امروز کارگران قرقه زیبا در مقابل بنیاد مستضعفان نسبت به مصوبات مجلس ارجاع علیه کارگران و تلاش موسسه انحصاری بنیاد مستضعفان به منظور اخراج و پایمال کردن حقوق کارگران صورت گرفت. کارگران بازخرید تحمیلی را نمی‌پذیرند.

شن تکنیک‌های جدید، آنها را از منابع دیگر کسب می‌کنند. یکی از این منابع اینترنت است.

نه الله در كتاب خود اجازه آن را صادر کرده است، نه رسول الله ونه حکومت الله. چه باید کرد؟ امکان دسترسی بهاینترنت بیشتر می‌شود. تعداد بیشتری از مردم به اخبار و اطلاعات و کتب و هر آنچه مضر و مخل امنیت کشور است دسترسی پیدا می‌کنند. حتی کار به جایی رسیده که پس از آن همه زحمات دستگاه‌های اطلاعاتی و قضایی دریستن و منعکر کردن و توقیف کردن روزنامه‌ها، به یک باره سر از اینترنت در می‌آورند. نویسنده‌گانی که چاپ نوشته‌هایشان ممنوع است، آثار خود را بر روی صفحات وب در اینترنت قرار می‌دهند.

اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، آثار و برنامه سازمان - های سیاسی که داشتن حتی یکی از آنها برای صدور حکم اعدام‌کافی بود، حالا از این طریق در دسترس همگان قرار می‌گیرد. باید چاره‌ای اندیشید. اگر اموروزیه علت‌هزینه‌بالای دسترسی به اینترنت، انبوه بندگان خدا هنوز دستشان به کامپیوتر و اینترنت نرسیده است، چنان طول نخواهد کشید که آنها هم به این وسائل دسترسی پیدا کنند و آنوقت دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، پس از هم‌اکنون چاره‌ای بایداندیشید. دستگاه‌های قضایی و پلیسی و اطلاعاتی و مخبراتی، برای حل این معضل، اجلاس تشکیل می‌دهند. عقل‌هایشان را روی هم می‌ریزند تا ببینند چه باید بکنند. هر ارگانی و نهادی از وزارت اطلاعات و پلیس گرفته تام‌خبرات و تلفن و متخصصین در خدمت رژیم هر یک وظیفه ای بر عهده می‌گیرند.

دستگاه قضایی نیز برای انجام وظیفه خود دست به کارش. پس از یک‌اجلای مشرک، شاهروندی رئیس قوه قضائیه در ۲۴ شهریور خواستار تشکیل کمیته‌ای ویژه برای رسیدگی به جرائم اینترنتی و تهیی و تنظیم لایحه مربوط به آن شد. نامبرده افزود که به زودی برخی از شعب دادگاه‌ها، رسیدگی به جرائم اینترنتی را بر عهده خواهند گرفت. حالا دیگر باید منتظر بود که دستگاه قضائی گروه دیگری از مردم را به اتهام جرائم اینترنتی به محکمه بکشد و به زندان و شلاق و جریمه محکوم کند. اما تلاش رژیم مذبوحانه است. هزاران و ده روزه تری برپا گردند. اما با این همه کفایت نمی‌کنند. پایه پای پیشرفت علوم، پیدایش و تکامل تکنیک‌های مدرن، امکان بیشتری برای توسعه و رشد این دستگاه نیز فراهم می‌شود.

اخيراً حیطه جدیدی برای این بسط و توسعه پیدا شده است. مردم ایران که قرار بود به حکم سر نیزه، تنها، خبری را بشنوند، مقاله و کتابی را بخوانند، فیلمی را ببینند و به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند که رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها و دیگر مطبوعات وابسته به رژیم در اختیار آنها قرار می‌دهند و اگر از منبع دیگری است حتماً مهر سانسور برآن گشته باشد؛ نافرمانی کردند و به نحو فزاینده‌ای با رایج

پژوهش و تصحیح:

با پژوهش از خوانندگان، در سرمقاله نشریه کار نیمه اول شهریور ۸۱-۸۰-ستون نخست، سطمرانده به پایان ستون، به جای مونتری اشتباها موتزال تایپ شده که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

دیگر کل ستاد مبارزه با مواد مخدوش ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معاد

حکومت اسلامی، حقیقت را گفته است، "اگر وضع به همین منوال پیش رود" تا ۲۰ سال دیگر تعداد معاددان به مواد مخدوش در ایران به ۱۹ میلیون خواهد رسید. منتهای باید جمله او را به این شکل تصحیح کرد، اگر قرار باشد ۲۰ سال دیگر جمهوری اسلامی در ایران حاکم باشد و بر مردم حکومت کند، با فجایعی دهشتناک تر از این روبرو خواهیم بود.

همین مانده بود که (دادگاه جرائم اینترنتی) تشکیل شود!

در کشور هایی که دیکتاتوری های عربیان حاکم اند، هیچ‌چیز به اندازه ماشین سرکوب توسعه و رشد پیدا نمی‌کند. در ایران، جایی که حکومت اسلامی حاکم است و سرکوب و اختناق در بالاترین مدارج آن قرار دارد، روزی نمی‌گذرد که ماشین مخفوف سرکوب، توسعه نیابد و بر طول و عرض آن افزوده نشود. دائماً بر تعداد اعضای نیروهای مسلح افزوده می‌شود. ارگان‌ها و واحدهای جدیدی در کنار المثلث قدمی ترشان ظاهر می‌گردند. حیطه‌های جدیدی برای سرکوب کشف می‌شود و نیروهای ویژه‌ای برای آن سازمان می‌یابند. این تنها مختص نیروهای مسلح ارتش، سپاه، سپیج، پلیس و امثالهم نیست. بلکه ویژگی تمام ارگان‌هایی است که وظیفه سرکوب مستقیم را بر عهده دارند، از جمله دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی، زندان‌ها، دادگاهها وغیره.

کار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی هم واقعاً پر رونق است و مشتریان بی‌شمار، که قصاص، فرصلت سرخاراندن ندارند. زندانها را به حدی پرکرده‌اند که ده برابر ظرفیت شان آدم‌ها را روی هم تلنبار کرده اند. چاره‌ای نیست جز این که زندان‌های بیشتری ساخته شود. دادگاه‌های بیشتری به کار گمارده شوند. دادگاه‌های ویژه تری برپا گردند. اما با این همه کفایت نمی‌کنند. پایه پای پیشرفت علوم، پیدایش و تکامل تکنیک‌های مدرن، امکان بیشتری برای توسعه و رشد این دستگاه نیز فراهم می‌شود. اخیراً حیطه جدیدی برای این بسط و توسعه پیدا شده است. مردم ایران که قرار بود به حکم سر نیزه، تنها، خبری را بشنوند، مقاله و کتابی را بخوانند، فیلمی را ببینند و به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند که رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها و دیگر مطبوعات وابسته به رژیم در اختیار آنها قرار می‌دهند و اگر از منبع دیگری است حتماً مهر سانسور برآن گشته باشد؛ نافرمانی کردند و به نحو فزاینده‌ای با رایج

یادداشت‌های سیاسی

دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر: تا ۲۰ سال دیگر ۱۹ میلیون معناد

علی‌هاشمى دبیرکل ستاد مبارزه باموادمخر در مصاحبهاى با ايرنا، پيرامون افزایش روز افزوون اعتياد در ايران گفت: اگر اوضاع به همین منوال پيش رود، تعداد معنادان در سال ۱۴۰۰ به ۱۹ ميليون نفرخواهد رسيد. اگر نام و مقام گوينده ابعاد فاجعه، ازنختين سطر اين نوشته حذف مى شد، شايد برخى كسانى كه نشريه‌كار را مى خوانند، با خودمى گفتد، اين ارقام و آمار اغراق‌آميز است. چطورمكمن است هر سال رقمى بين ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزاربر تعداد معنادان در ايران افزوده شود و اگر "اوضاع به همین منوال پيش رود" ۲۰ سال دیگر بيش از يك‌چهارم جمعيت ايران معناد به مواد مخدرخواهد بود. اما گوينده مشخص است و مقام ومنصب با هم روشن و قطعاً وقتى كه "دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر" اين ارقام را ارائه مى دهد، بربمنى شناخت، اطلاعات و محاسبات دقيقى است. ابعاد فاجعه روشن است و تکان دهنده والبته مسئله پوشیده و پنهانى هم نیست. يك معرض اجتماعى است كه مردم ايران روز مره با آن روبرو هستند و از آن رنج مى برند. اكنون دبیر كمتر خانواده - ايستكه در آن معناد يافت نشود، اعضاً خانواده در رنج و عذاب ناشي از آن نباشد" و همه روزه تعدادي از اين انسانهاي معناد شده اند، با مرگى زودرس روبرو نباشند. نيازي به گفتن نیست كه اين انبوه جمعيت معنادان كه هم‌اكنون بريطاقرام رسماً علام شده تعداد آنها بين ۳ تا ۵ ميليون است، جوانان كشوراند. منابع دولتى خود اذعان دارند كه نمودار سنی معنادان به مواد مخدر سال به سال در ايران پائين مى آيد و اكنون نوجوانان ۱۵، ۱۶ ساله نيز به مواد مخدر روى آورده‌اند. پديده اعتياد در ميان زنان جوان كه در ايران بي سابقه بود، اكنون رواج و گسترش يافته است. علت گسترش بي سابقه اعتياد به مواد مخدربركسى پوشیده نیست. فشار بي حد و حصر اقتصادي-اجتماعى و سياسى علت‌اصلی اين فاجعه است. مردمى كه روز مره زير شدید - ترين فشار اقتصادي و مادى قراردارند، راه نجاتى برای رهایي از اين همه فلاكت، فشار و بدبوختى نمى بینند، برای تسکين لحظه اى

از شر اين همه فشار كه كمر آنها را خم كرده است، به مواد مخدر روى مى آورند. ميليون ها جوانى كه به بازار كار سرازير شده اند، اما كاري نمى يابند، بيكار، ولگرد و سرگردان به اعتياد روى مى آورند. مردمى كه از امكانات تفريحي، فرهنگى وهنرى آزادنه و مورد علاقه خود برخوردار نیستند، يكى از راههای جايگزينى را پناهبردن به مواد مخدزمى بینند. دورکردن مردم از مسایل سیاسى، سركوب و اختناق و حاكميت رژيم پليسي نيز از دو جهت گروهي از مردم را به سوي موادمخر سوق داده است. از يك طرف احساس ناتوانى سياسي در مقابل وضع موجود توسط گروهي از مردم و پناه برden به مواد مخدر برای غرق شدن در دنياى ديجير كه فجائع سياسي رژيم برای سوق دادن مردم به مواد سو، تلاش رژيم پيرامون را نبييند واز ديجير مخدربراي اين كه از مسایل سياسي و رودر رو شدن با حکومت بپريزند. علاوه بر آنچه كه گفته شد، گسترش مواد مخدر، تجارت‌يis پرسود و سودهای كلاني عايد پاندهای مافيايی مى‌كند كه همواره يك پايشان در درون حکومت است. تنها سران و رده هاي بالاي رژيم از اين راه كه سودنمى برند، دستگاههای معينى، تظير ارگان - هاي نظامي و انتظامي و قضائي از اين بابت در آمد هاي هنگفت به چنگ مى آورند. ممكن نیست كه در يك كشور، مواد مخدرحتى در حد بسيار اندك توزيع شود و پليس و دستگاه قضائي، زاندارمri وارتش وغيره نتوانند در مدتى بسيار كوتاه سرنخ اصلی آن را به دست آورند. پس اگر اين مواد در ايران، در ابعادى وسبيع و باورنكردن توزيع مى شود، با همكارى و شراكت دستگاههای نظامي، امنيتى و قضائي رژيم است و آنها نمي توانند چنین كنند مگر آنکه حامياني در بالاترين رده هاي حکومت داشته باشند. با اين دلائل روشن است كه مردم، نظم اقتصادي - اجتماعى و سистем حاكم بر ايران را مسبباً اعتياد گسترشده جوانان و ديجير گروه هاي سنى مى دانند. با وجود اين نظم است كه سال به سال برتعداد معنادان افزوده مى شود و تا اين نظم حاكم است، اوضاع بهبود نخواهد يافت و روز به روز بدتر خواهد شد. دبیرکل به اصطلاح "ستاد مبارزه بامواد مخدر" صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانى سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No.389 sep 2002

سرنگون باد رژيم جمهوري اسلامي - برقرار باد حکومت شورائى

برای ارتباط با سازمان فدائیان (افقیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به يكى از آدرسهاي زير پست كنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

آلمان

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

اطریش

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئد

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

سوئیس

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

فرانسه

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کانادا

كمک های مالي خود را به شماره حساب بانکي
زير وايز و رسيد آنرا به همراه كه موره نظر به
يكي از آدرس های سازمان ارسال نمائيد

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (افقیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲